

خلاصه کتاب

زندگی در کار

نویسنده: تامس مور

تهیه شده توسط تیم آموزشی رایبیز



خداوندگار درونی در همه‌ی انسان ما وجود دارد و استفاده از آن بسیار مفید خواهد بود. اگر با خداوندگار درون‌تان زندگی کنید به مرور زمان یادمی‌گیرید که الهام چگونه خودش را به شما نشان می‌دهد، به تدریج متوجه می‌شوید که کی از آن اطاعت کنید و کی راه خودتان را بروید. این حس درونی با تصمیم‌گیری‌های عقلانی فرق دارد. اگر شما با دیدی واقع بینانه، منطقی و براساس تحقیقات تصمیمی را بگیرید، در صودت شکست خوردن که یک جای کار می‌لنگد اما اگر با الهام و ندای درونتان تصمیم بگیرید قطعاً شکست‌ها و اشتباهاتی هم خواهید داشت و باید این اشتباهات را تحمل کنید. اما در عوض با آرامش و آسودگی بیشتری تصمیم می‌گیرید که چه باید بکنید و چه نباید بکنید. صدای خداوندگار در اعماق شما نفوذ می‌کند و با سرنوشت و شخصیت شما گره می‌خورد. به مرور زمان یاد می‌گیرید که چگونه به آن اعتماد کنید بدون اینکه احساس ساده لوح بودن به شما دست دهد یا نیاز باشد بی‌گدار به آب بزنید. افرادی که خداوندگارشان رابطه دارند به راحتی هم‌رنگ هر جمعی نمی‌شوند. به مرور زمان خداوندگار درونتان از شما فرد بی‌همتایی می‌سازد که با هر دلیل ساده‌ای از مسیرش منحرف نمی‌شود.

فصل دهم: عاشق کاری باش که می‌کنی

برای همه‌ی کا پیش آمده که آنقدر غرق در لذت انجام کاری بوده‌ایم که زمان برایمان سریع‌تر از گذشته است. یک وقت‌هایی هم به ساعت زل می‌زنیم و هریک دقیقه اندازه‌ی یک ساعت کش می‌آید. در ساعات اوج کار حس نشاط و سرزندگی به شما دست می‌دهد که شبیه این حالت بسیار کم اتفاق می‌افتد. این لحظات شلوغ ولی لذت بخش کار ممکن است کمیاب باشند ولی همین‌ها هستند که به شغل یا حرفه ارزش می‌بخشند. اگر بتوانید هم زمان که کار می‌کنید عاشق مسئولیت‌ها، چیزی که تولید می‌کنید، همکاران، محل کار، و حتی مشتریان باشید. در این صورت شغل‌تان را جذاب و هوس انگیز کرده‌اید تمام این کتاب در مورد پیدا کردن کاریست که بتوانید قدرت عشق را در شما زنده کند. ولی خود شما هم می‌توانید عشق را وارد جریان کاری‌تان بکنید. اگر همیشه خشمگین یا نا امید هستید؛ بدانید که همین احساسات منفی می‌توانید سد راه عشق ورزیدن شما به شغل‌تان باشند. شما نمی‌توانید احساسات زندگی را به بخش‌های کاملاً جدا از هم، مثل کار و خانه و اجتماع تقسیم کنید. اگر نمی‌توانید عاشق کارتان باشید، سعی کنید که با احساسات‌تان در تمامی جنبه‌های زندگی رو به رو شوید. حتی اگر زندگی کامل و بی‌عیب و نقصی نداشته باشید باز هم می‌توانید عاشق شغل‌تان باشید. عشق محتاج کامل بودن نیست و فقط می‌خواهد که کمتر محتاط باشید. عشق به دنبال باز کردن درها به روی زندگی است و انرژی و محرکی است که می‌تواند به انسان قدرت حرکت ببخشد.

فصل یازدهم: کار کردن عبادت است.

وقتی کاری را برعهده می‌گیرید باید آن را با تمام وجودتان و به طور کامل انجام دهید و حتماً آن را به پایان برسانید، درست مثل زمانی که در آتش بازی چیزی را تا آخرش می‌سوزانید باید خودتان را هم کاملاً با کارتان بسوزانید.

هدف شما از کار کردن نه باید فقط کسب درآمد باشد و نه باید شبیه هدف اطرافیان و دیگران باشد. نصیحتی که والدین به فرزندان می‌کنند «فقط برای پول سراغ یک کار نرو». نشان دهنده همین اصل است. نگران این نباشد که برای هر ساعت کار حقوق مناسب بگیرید، ذهن خود را با حساب و کتاب‌ها مشغول نکنید، در عوض به دلایل مهم‌تری که برای کار کردن در ذهن دارید، فکر کنید. هم چنین فکر کردن به این موضوع که آیا کارتان حتماً محصولی تولید می‌کند یا نه چندان فایده ندارد. راه رسیدن به شغل مناسب، راهی بسیار پر پیچ و خم است و بیشتر افراد باید مراحل زیادی را طی کنند تا به آن برسند. هر چقدر شما به عنوان یک انسان بیشتر رشد کنید، عقایدتان در مورد کار هم پختگی بیشتری خواهند داشت و شما را به هدف‌تان برای داشتن یک زندگی معنادار نزدیک‌تر می‌کنند. با اختلاف خود صادق و رو راست باشید تا شانس بهتری برای پیدا کردن کار مناسب داشته باشید.

فصل دوازدهم: زندگی یکپارچه

حرفه‌ی زندگی، بر پایه‌ی سر آغاز مجدد بعد از هر مرحله‌ی زندگی ساخته می‌شود و موفق‌ترین آدم‌ها آن‌هایی هستند که از مرحله‌ای به مرحله‌ی دیگر تغییر می‌کنند. سر آغاز، حتی اگر با مشکلات خاص خودش همراه باشد؛ باز شما را به سمت مرحله‌ی نوینی از زندگی هدایت می‌کند.

همه‌ی ما آگاهی داریم که برای پیدا کردن حرفه‌ی زندگی باید از مراحل گذرانیم؛ اینکه چطور باید از شغلی به شغل دیگر برویم. حرکت‌هایی که هکشان حتماً در جهت پیشرفت نیستند ولی با این حال از یک جایگزین کردن بهترند. وقتی از مرحله‌ای به مرحله‌ی دیگر گذار می‌کنید، تنها وضعیت‌تان عوض نمی‌شود؛ بلکه به عنوان یک انسان تغییر می‌کنید. تغییراتی که در انتها انسانی متفاوت با آنچه امروز هستید از شما می‌سازد. یک حرفه‌ی زندگی کاری است برای زندگی‌تان. ممکن است غرق کارتان شده باشید ولی هرگز نمی‌توانید اهمیت پدر یا مادر بودن را به عنوان بخشی از فراخوانش زندگی نادیده بگیرید. شغل تنها بخشی از یک کل بزرگ‌تر است ممکن است توجه ویژه‌ای به آن داشته باشید ولی هرگز خودتان را وقف آن شغل نخواهید کرد.

حرفه زندگی بیشتر از هر چیزی در مورد زندگی‌تان است. می‌توانید شکست بخورید، جا بزنید، تغییر کنید، از نردبان موفقیت پایین بیایید ولی همچنان حرفه زندگی‌تان را داشته باشید. حتی نیازی نیست به دنبال فهمیدن تأثیر شکست‌ها روی وضعیت امروزتان باشید. این چیزها همیشه رمز و راز هستند. تنها باید به این موضوع اعتماد کنید که هنوز تمام ماجرا برای شما روشن نشده ولی در نهایت معنای آن را کشف خواهید کرد.